

تداخل محرم و چهارشنبه سوری

امسال باز جشن همبستگی و نور و گرمای زندگی بخش ما ایرانیان یعنی **چهارشنبه سوری**، با ماه عزا و مرثیه محرم تداخل کرده است. محرم برستی جلوه ای از بدبختی و تباهی ست. علت نیز روشن است: دو گروه متخاصم و خشونت طلب از یک تیره و تبار، یکی به رهبری یزید بن معاویه و دیگری به سالاری حسین بن علی در دهم محرم به کشتار یکدیگر می پردازند و به مانند مشی مرسوم اعراب در جنگها، پس از کشتار و تارومار یکدیگر، طرف غالب زن و بچه و مال طرف مغلوب را به غارت می برد. اما نکته ای که این ماه را به مظهر بدبختی و عزا بدل کرده است، اسطوره سازی عمدی دکانداری دین است که از مردی که نه خصوصیات انسانی و الهی دارد و نه عملکرد زندگی اش شایان تقدیر و توجه است، به عنوان اسطوره آزادی خواهی و ظلم ستیزی نام می برد! دکانداری دین برای سلطه و رخنه در فرهنگ مردم، چنان صحنه سازی دروغینی از جنگی معمولی و مردی عامی به نام **حسین** بعمل می آورد که برستی اگر خود او هم اکنون زنده بود از اینهمه غلو و قلب و اقعیت سخت حیرت زده می شد!

در مورد کشتاری که در دهم محرم سال شصت هجری در میان راه کوفه و در صحرای کربلا بوقوع پیوست، روایات متعددی وجود دارد. بعضی علت را توطئه مخفیانه حسین با اهالی کوفه بقصد کودتای سیاسی، و فاش شدن این توطئه می دانند. آنان به هیچ وجه به قیام حسین معتقد نیستند، زیرا دلیل می آورند که اگر او قصد جنگ داشت، چرا مخفیانه به سمت کوفه راهی شد و چرا زنان و کودکان اموال خود را نیز به همراه برد و چرا سپاهی تدارک ندید؟! گروهی نیز براین باورند که حسین بخاطر سابقه و پشتوانه پدرش در کوفه و توابع، می خواسته به آن دیار کوچ کند تا پس از جا افتادن و سرفرست، با تشکیل سپاه محلی برای بدست آوردن خلیفه گری مسلمین که آن را حق موروثی خود می دانست- حکومت را از دست یزید بیرون بی آورد. آنان معتقدند که همدستی با خارجیان و خیانت به قبیله و فامیل و یاران از صفات اصلی خاندان هاشمی بوده است، همانگونه که پدربزرگ نامی حسین محمد بن عبدالله نیز با دست به یکی کردن با خارجیان (اهالی یثرب و یهودیان) بر علیه فامیل و هم قبیله ای های خود اقدام کرد و آنان را در جنگ های مختلف و سپس متعاقب با فتح مکه، به فجیع ترین وجه ممکن شکنجه کرد و کشت. و باز می دانیم که در سنت عرب جاهلیت، بریدن از فامیل و پیوستن به بیگانگان نامی بجز "خیانت" نداشته است. در بررسی های تاریخی ما به حکایات دیگری نیز در این مورد بر می خوریم که نقطه اشتراک همه این حکایات، "شهید مظلوم نبودن" و "سالار شهیدان" و "قهرمان آزدگان" و "شهید خلفهای خاورمیانه" (بقول خسرو گل سرخی و مارکسیست ها!) نبودن حسین بن علی است.

آنچه که حسین در زندگی اش انجام داده، عینیت زندگی اعراب هزارو سیصد و اندی سال پیش است؛ نه کلمه ای بیش و نه کلمه ای کم. او برحسب خلق و خوی خشن قبیله ای صحرا نشینان عرب، از همان اوان جوانی با کشتار و خونریزی آشنا شد، همچنان که به اتفاق برادرش حسن و به فرمان پدرش، به همراه سپاه غارت گر عمر بن خطاب به طبرستان گسیل شد و خون هممیهنان ما را با قساوت کم نظیری ریخت. او نیز همچون پدربزرگ و پدر و برادرش، زنان متعدد داشت و نیز از طریق غارت های اسلامی و جزیه و خمس و زکوة و ارث پدری، و البته مستمری ماهیانه قابل توجهی که از دستگاه خلیفه برای او فرستاده می شد، ثروت هنگفتی فراهم کرده بود. نقطه خاص دیگری در زندگی او وجود ندارد؛ هر چه بوده تند خونی ها و جنگ های قبیله ای و چپاول های اسلامی و به یغما بردنهای مرسوم اعراب جاهلیت بوده است. حال با این وجود، چگونه است که دستگاه مخوف دکانداری دین از این انسان معمولی (معمول از لحاظ نحوه زندگی عرب جاهلیت) اسطوره ای ساخته است که مظهر همه نوع نیکی و پاکی ست؟! فردی نژاد خو و ستمگر که کوچکترین اقدامی برای رفاه و آرامش زندگی مردم نکرده است و طول عمرش به کشتار و جنگ و سوزاندن و ویرانی گذشته است، در دستگاه پلید آخوند شیعه به قهرمان قهرمانان مبدل می شود، چرا که آخوند هزار سال است که از قیل او به منافع اقتصادی و نفوذ سیاسی سرشاری دست یافته است. دکانداری دین با زنده نگه داشتن افسانه شهادت حسین بن علی و با تبدیل ایام شادی به عزا و ندبه و مرثیه و بدبختی، هدفی بجز بهره کشی از انسان ها ندارد. به عبارتی، متاع دکانداری دین، همین شهادت ها و همین قهرمانان دروغین است که اگر آنها را از او بگیری، دیگر دستمایه ای برایش نمی ماند.

با نگاهی هر چند گذرا به دستگاه چپاول گر دکانداری دین، به خاستگاه آنان بهتر پی خواهیم برد، هنگامی که از علی که کارنامه زندگی اش مملو از خونبارترین و جنایتکارانه ترین فجایع است "بزرگ مرد تاریخ بشریت" و از حسن که کاری جز سازش و زن بارگی نکرده "امام مظلوم" و از حسین که سخنش رفت "اسطوره آزادی و ظلم ستیزی" می سازد، و به این هم اکتفا نمی کند، همانطور که از کسی که وجود خارجی ندارد به نام امام زمان - "مهدی موعود" و منجی تاریخ بشریت استخراج می کند!

پس بدانیم که دکانداری دین بدون وجود اسطوره های رنگارنگ لحظه زنده نتواند بود.

افشین زند

<http://eteraz1.blogspot.com>